

جلوه رمانتیسم در شعر بانوان معاصر و رارود

سهیلا حسینی^۱

احمد منصوری رضی^۲

چکیده

در این مقاله ابتدا به بیان اصول و آموزه‌های مکتب رمانتیسم پرداخته، ضمن توجه به پیشینه مکتب رمانتیسم، چگونگی بازتاب جلوه‌های صوری و محتوایی این مکتب را در شعر بانوان شاعر معاصر نوگرای تاجیک در محورهای احساسات و عواطف، توجه به دوران معنویت و عرفان، بازگشت به دامن طبیعت، آزادی، شخصیت، شعرو افسون سخن، رویکرد عاطفی به دین و جهان آرمانی را بررسی می‌نماییم. در این بررسی‌ها، آنان را به عنوان شاعرانی با گرایش به سمت رمانتیسم اجتماعی با عمده‌ترین ویژگی‌های محتوایی همچون: توجه به مسائل اجتماعی آمیخته با عاطفه، توجه به فقر و فساد و شکایت از بی‌عدالتی، دوری از شعر معترضانه و غیره معرفی می‌نماییم.

کلید واژه‌ها: رمانتیسم، رمانتیسم اجتماعی، طبیعت‌گرایی، کودکی، رمانتیسم نو، جهان آرمانی.

مقدمه

جریان ادبی رمانتیسم نخستین بار در فرانسه، اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به وجود آمد. نخستین وجه مشخص آن برگرفته از کلمه رمانس همان سروکار داشتن با عشق و افکار شاعرانه است. بر این اساس، رمانتیک دو معنا دارد. یک معنا که صفت است و درباره یک مکتب شعری است که در اروپا رونق گرفت و به سایر نقاط دنیا سرایت کرد. یک معنای عام که بخش عظیمی از شعر فارسی را دربر گرفته است و هرگونه شعری است که حال و هوای غنایی و اندوهگین داشته و بر احساس تأکید فراوان دارد. بر این اساس، هر شاعری حتی آن که اجتماعی و متعهد و اهل واقعیات روزگار خویش خوانده شود، معمولاً و عادتاً مایه‌هایی کم و بیش از رمانتیسم در خود دارد. (حمیدیان، ۱۳۸۱: ۲۹)

نهضت رمانتیسم به این علت به وجود آمد که شاعران و هنرمندان از مقررات خشک و دست و پاگیر گذشته که هنرمند را گرفتار اصول و قوانین ثابت می‌کرد، خسته شده بودند. رمانتیسم بی تردید، شعر عشق و احساسات است. (اشرف زاده، ۱۳۸۱: ۱۰) هنر اصلی شاعر رمانتیک در کنار رهایی جستن از قیود شعر کلاسیک توجه به مردم عادی و قرار دادن آن‌ها در ردیف موضوعات اصلی شعر است.

از آنجا که مکتب رمانتیسم توانست جنبش وسیعی را در ادبیات، سیاست، هنر و فلسفه به وجود آورد و ادبیات را از حوزه اشرافی و طبقات مرفه به میان مردم عامی بکشاند. شاعران و نویسندگان بسیاری به این جریان ادبی گرایش یافتند؛ از جمله هنرمندانی مانند: ویکتور هوگو، شاتو بریان، گوته، شیلر، وردزورث، سروالتراسکات، پوشکین، لرمانتوف، جین آستن. رمانتیسم راه گشای ظهور مکتب سمبولیسم و نمادگرایی است. گویی اصولاً رمانتیسم هم ذات عصر جدید است و همه جوامع با شدت و ضعف، چنین تجربه‌ای را از سرگذرانده‌اند. (مسعود جعفری، ۱۳۷۸: ۲)

۱- مدرس دانشگاه، دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان s.hossaini71@yahoo.com

۲- مدرس دانشگاه، دکتری زبان شناسی، دانشگاه فرهنگیان samen_49@yahoo.com

در این پژوهش بر آن شدیم تا اندیشه‌های رمانتیسم را در آثار شعری زنان پارسی گو که خاستگاه شعری‌شان کشور همسایه ایران است و به نوعی در گذشته قلمرو امپراتوری ایران بوده است مورد کنکاش قرار گیرد. لازم به ذکر است تحقیق و پژوهش در چنین حوزه گسترده ای نیازمند زمان بسیار و دسترسی به مراکز فرهنگی، کتابخانه ها و منابع معتبر و ارودی است. استفاده از اشعار آنان نیز مستلزم آشنایی با خط سیرلیک است که نگارنده تمام توان خود را به کار گرفته است که با حفظ امانت کوچکترین تغییری در اشعار آنان داده نشود تا منصفانه اشعارشان نقادی شود.

نظام خاص شوروی سبب شد شاعران تاجیکی به ویژه زنان شاعر آن دیار با مشکلاتی مواجه گردند و نتوانند به طور جدی ادبیات فارسی را دنبال کنند یا امکان دسترسی به کتاب‌های مختلف را نداشتند و یا خواندن و نوشتن به زبان روسی این فرصت را از آنها گرفته بود تا بتوانند با ویژگی‌ها و رموز رازهای شعر فارسی پیوند عمیق و دیرینه پیدا کنند. در چنان فضایی که زن شاعر تاجیک با آن روبه رو بوده اند کمتر با سخن تازه، ساختار و رخداد شاعرانه که بازتابی غافلگیر کننده داشته باشد مواجه شدیم با تمام این احوال، در میان زنان شاعر معاصر که با ادبیات ایران کاملاً آشنایی دارند و در موارد بسیار از شعر معاصر ایران تاثیر پذیرفته اند و رگه‌هایی از رمانتیسم‌گرایی در اشعارشان وجود دارد را انتخاب نموده ایم و آنان را مورد نقادی قرار می دهیم.

باید اذعان داشت رمانتیسم با توجه به عقاید مثبت و منفی همچنان به راه خود ادامه می دهد. با آمدن مکتب «رمانتیسم نو» گرایش هنرمندان نوگرای معاصر به ویژه زنان شاعر معاصر تاجیکستان به این مکتب قابل توجه است و از آنجا که شعر و ارود، تاثیر پذیری مستقیم از اندیشه و افکار شاعران رمانتیست گرای روس دارد؛ توجه به این موارد از جمله نکات مهمی است که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

اهمیت تحقیق.

در میان پژوهش‌های بسیاری که درباره این مکتب انجام شده است، ذکر این نکته مهم است که آنچه شاعر رمانتیک به عنوان آرزو و آمال توصیف می‌کند؛ در بسیاری موارد با واقعیت جامعه در تناقض است. در شعر رمانتیک، شاعر با گریز به دوران کودکی، به عالم رویا و جنون و یا سیر در نا کجا آباد به نوعی نارضایتی خود را از اوضاع موجود بیان می‌سازد. در این مقاله نگارنده با نقد و تحلیل اشعار بانوان شاعر معاصر تاجیک به بررسی ذهنیات شعری و اندیشه‌های بنیادین آنان می‌پردازد. نقطه مرکزی شعر آنان اجتماع و دنیای بیرونی است.

روش تحقیق:

در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در چارچوب نظریه بینامتنی و با بهره گیری از ابزار اسنادی و کتابخانه ای فرایند تحقیق به انجام می‌رسد. نشریات و مقالات مرتبط با تحقیق جهت پیشبرد پژوهش حاضر و جامعیت بخشیدن به آن مورد استفاده قرار گرفته اند.

تاکنون کتاب ها و مقالات بسیاری درباره مکتب رمانتیسم و جایگاه آن تدوین شده است. آثار برجسته ای همچون: **مکتب‌های ادبی رضاسید حسینی، واژه‌نامه هنر شاعری میمنت میرصادقی، دایره‌المعارف فارسی غلامحسین مصاحب** این مکتب و اصول مندرج در آن را به تفضیل شرح و بسط داده اند. مقاله حاضر با تحلیل اشعار آنان در برابر این ادعا که قریب به یقین بسیاری از زنان معاصر تاجیک به اندیشه‌های رمانتیسم گرایش دارند؛ این فرضیه را دنبال می‌کند که با توجه به معیارهای نقد ادبی معاصر می‌توان آنان را شاعر رمانتیک‌گرا قلمداد کرد. لازم به ذکر است موضوع مقاله عهده دار بررسی اجمالی جلوه‌های آن در شعر شاعران نوگرا و توانمند تاجیک است و در نوع خود کاملاً بدیع و جدید است و تاکنون کسی در این زمینه پژوهشی انجام نداده است.

زن به عنوان یک موجود پرعاطفه و احساس وقتی وارد حوزه ادبیات می شود، ابتدا به صورت یک قهرمان ظاهر شده حماسه می آفریند و یا به عنوان معشوق باعث غزلسرای شده، ادبیات غنایی را به وجود می آورد. در تاریخ ادبیات آثار زنان شاعر و هنرمند، در نوع خود بسیار خواندنی و بارز است. همزمان با عصر جدید و ورود زنان به عرصه آفرینش های ادبی، در سرزمین هنر پرور تاجیکستان، بانوان ادیب همچون: صفیه گلرخسار، موجوده، نقره، شهریه، زلفیه عطایی، ناری نسا، مهرنسا، فرزانه، ادیبه و غیره به خاطر نوگرایی و اندیشه های نوین جایگاه خاصی پیدا کرده و دلسروده هایشان در نشریات داخل و خارج از کشور تاجیکستان به چاپ رسیده است. با نگاهی گذرا به اشعار زنان به طور عمده بیش از همه زن بودن آنها بهترین عامل برای بیان احساسات و عواطف لطیف آنان شده است. بیان پررنگ تر مسائل عاطفی، خانوادگی و با احساس، یکی از ویژگی های برجسته شعر زنان و نقطه مشترک با شعر رمانتیک است که بسامد بالایی از اشعارشان را در بر می گیرد. آنان با توصیفات همچون: زن و بی عدالتی، زنان بی پناه، زن، گریه و اشک، زن و فقر، زن و تنهایی، زن اسطوره صبر، با هنرنمایی تمام، نقش بی طرف و تنها روایت کننده ماجرا را بازی می کنند، به مرور بازبانی پرازند و اندرز به آرام کردن اوضاع می پردازند. هر چند گستردگی حوزه لغات و ترکیبات خاص شاعرانه، هویت شعری و زنانه بودن شاعر را نمایان می سازد. نکته مهم آن است که آنان تنها به جنبه جسمانی انسان نمی پردازند. در نظر آنان زن از جامعه و تاریخ کشورش جدا نیست و در اصل آنها به دنبال مسائل ناب انسانی اند.

انسانشناسی
۱۳-۱۵ شهریور ۹۲
فارس لیرا

اجزای تحقیق

پژوهش حاضر به سه بخش عمده تقسیم می شود. بر اساس موضوع در بخش اول ابتدا درنگی کوتاه بر تاریخچه رمانتیسم در کشورهای اروپایی داشته، در قسمت دوم ویژگی های بارز این مکتب را معرفی می نمایم. در بخش سوم با معرفی شاعران زن میزان تاثیرگذاری آنان نقد و تحلیل می شود. در این بخش به بیان ویژگی های مهم مکتب رمانتیسم می پردازیم. بیان جلوه هایی از مکتب رمانتیسم:

۱- توجه به احساس و عاطفه و هیجانات.

یکی از مشخصات عمده مکتب رمانتیسم، اعتقاد به فضیلت احساسات و تخیل بر عقل است. هنرمند باید آنچه را حس می کند بدون هیچ گونه قیدی اعم از هنری یا اجتماعی بیان کند. (مصاحب، ۱۵۹۶). هنر واقعی همان فرافکنی جوشش درون و به قول ویلیام وردزورث جوشش بی اختیار احساسات قوی است. از آن جاکه رمانتیست مکتب دل است، احساسات را بدون هیچ قیدوبندی به تصویر می کشد. در این راستا، هریک از شاعران زن تاجیک در جوهره شعری خود عاطفه و هیجان عمیقی را ایجاد کرده اند. اشعارشان عمدتاً لطیف، نازک، دلکش و بسیار خیال انگیز است. خواننده به فضای تازه ای ره می گشاید و در نظرگاه شعری آنان با مدد تصویرگری و استفاده از تعبیرات بدیع، نازکی و رنگارنگی اندیشه آنان نمایان می گردد. در نمونه ای از شعر ناری نسا اوج احساسات و عواطف شاعر به نمایش گذاشته شده است.

«گریه کردن را من از ابر بهار آموختم

صبر را از قلعه های کوهسار آموختم

نازکی و نرمی و پاکیزگی را از سحر

شب به شب، شب زنده داری از هزار آموختم.» (دریای محبت، ۹۳)

۲- بازگشت و توجه به طبیعت.

یکی دیگر از جلوه های رمانتیسم، طبیعت گرایی است. طبیعت به صورت تجلی ذات خداوند در ذره ذره جهان آفرینش است. در طبیعت کوچکترین جزء تا ساخت های بزرگ و پیچیده همگی با هم پیوند می یابند. در چنین نظام فکری، رفتار

آدمی با طبیعت در رشتۀ ناگسستنی به هم گره می‌خورد و وحدت می‌یابد. یکی از منتقدان، عبدالرحمان عبدالمنان اف درباره طبیعت‌گرایی در شعر تاجیک معتقد است: «در شعر ما، به اشیا و حوادثه‌ها و موجودات طبیعت صفت‌های آدمی بستن یعنی تشخیص‌اندن آنها عنعنۀ (سنت) غنی و نمونه‌های عالی دارد. این عنعنۀ در بهترین شعرهای منظره‌ای شاعران امروز با مضمون‌های فلسفی و اجتماعی دوام یافته، رنگ و تابش‌های زمانه می‌گیرد.» (عبدالمنان اف، ۱۹۹۰: ۸۴) شاعران زن از عناصر طبیعت: آفتاب، خورشید، باران، ابر و غیره برای زیبایی و پویایی کلامشان بهره می‌برند. «ادیبه» در شعر طبیعت خود می‌گوید:

«من عاشقم

بر هر صدای شرشره (آبشار)

بر خوائش کبک دره

بر شب‌نم اندر روی گل

بر بوی گل

بر صوت باران سحر

بر میسۀ (علف)‌های سبز و تر» (زرشاخه‌های عشق، ۵۳)

جوهره شعر، تخیل و تصویر است. تصویری که این شاعران از جهان پیرامونشان ارائه می‌دهند، روایتگر زمان آنهاست. فرزانه خجندی شاعری تصویرگراست. ارائه تصویرهای تازه از شب و روز و یا بیان فصل‌های سال همراه با رنگامیزی خاص خود زیبایی دلکشی به شعرش بخشیده است. تنوع و نوگرایی حتی در به کارگیری قالب‌ها نیز خود را نشان می‌دهد. او شعر را از حالت کلیشه‌ای درآورده است. در نمونه شعر زیر قالب مثنوی را به سمت مثنوی - غزل پیش برده است:

«شیر سبزه می‌نوشد، باد تشنه ساحل

تیغ قلّه را خورده، آفتاب خونین دل

می‌خزم به سستی رود همچو مست خواب آلود

شام لاجورد آمد، آفتاب من، پدرود.» (سین سلام، ۱۰۹)

با آن‌که توصیف فصل‌های سال و جلوه‌های گوناگون طبیعت، از موضوعات تکراری در اشعار زنان شاعر تاجیک است؛ قدرت بیان در شرح عواطف قلبی و عوالم درونی سبب شده است در کنار وصف ظاهری مناظر، تخیل و زیبا شناسی در کلام آنان آشکار می‌شود. به طور نمونه گلرخسار در ورای ظاهر کلام، اندیشه و افکار فلسفی، اجتماعی و سیاسی خود را مطرح می‌کند. تصویر ذهنی او در میان مفاهیم متضاد اینگونه خود را نمایان می‌سازد.

«نه زندگی جاودانه، نه مرگ

چهار فصل عمر، چهار کتابی است:

به چهار فصل صحیفه‌ی اسرار

حکمت تازه‌ای کجاست اندر این بهانه‌ی تکرار؟» (گلچین اشعار، ۹۸)

به کاربردن طبیعت در حجم بسیار، تأملی است در معنای اشیا و در حکمت حیات طبیعت. جهان پیرامون شاعر، تصاویر رنگینی از تجربه‌های صمیمی است که در تماشای دوباره شاعر نورانی شده‌اند. تصویرها در آثارشان زنده و پویا است. این حقیقت را باید پذیرفت که رمانتیست‌ها بسیار به طبیعت علاقه‌مندند؛ اما هدفشان تنها بیان طبیعت نیست آنان در ورای طبیعت به توصیف محورهای اساسی زندگی بشر می‌پردازند. این رویکرد ویژه به طبیعت علاوه بر این‌که آثار رمانتیک را از توصیف‌های ستایش‌گرایانه طبیعت و مناظر پر نقش و نگار و بکر و وحشی آن سرشار کرده است، به این نوع توصیف صبغه متفاوتی بخشیده است. در این مکتب، توصیف با ادراک درون‌گرایانه طبیعت و همدلی با آن همراه است. حالات و خصوصیات طبیعت، در پیوند با احساسات انسان بیان می‌شود. در پرتو دل‌بستگی به طبیعت، رمانتیک‌ها

تمایل افزون تری به کاربرد عناصر طبیعت در کلام خود نشان می‌دهند. از این رو، سهم این عناصر در صور خیال شاعران رمانتیک با بسامد بالایی است. ادراک درون‌گرایانه از طبیعت و عناصر و اجزای آن همراه با صحنه‌آرایی‌ها و صور خیال به طور چشمگیری در اشعارشان وجود دارد.

مظاهر گوناگون طبیعت، بسیار در اشعار گل‌خسار نمایان است. او معتقد است که: «من عضو حزب گل‌یاسم» و یا «بین زاغ و زغن و کرکس و کلمرغ من، قوی سفیدم». در شعر روان، ساده و جذاب، نقره سنت نیا عناصر طبیعت رنگ غم و اندوه به خود می‌گیرد:

« نه گل نه سبزه دارم

پاییزی بی برگ و بارم

نه شفق

نه لاله زارم، سبزه ی خشک مزارم.» (وطن داری به دوش ماست، ۱)

۳- شعر و فسون سخن.

رمانتیست‌ها عصاره اساسی شعر را احساسات، تألمات و خوشی‌های خود شاعر می‌دانند. در تعریفی از وردزورث آمده: «اگر شعر به طور طبیعی مانند برگ‌های درخت فرو نریزد؛ بهتر است اصلاً به دنیا نیاید» لذا شعر همان گونه که از نامش پیداست به تلاطم‌ها و غلیان‌های درونی شاعر توجه دارد. مکتب رمانتیست مکتب دل است؛ آنان به امور روحی توجهی خاص داشته‌اند و اندیشه‌های روحی و معنوی را بسیار محترم می‌شمارند. شعر رمانتیک با جلوه ادب غنایی آن، درون‌گرا و غم‌گراست نه شادی‌گرا؛ همان‌طور که عشق گراست نه عقل‌گرا. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۴۰) در نظر آنان، شعر همان احساسات تند و سرکشی است که در لحظه آرامش در وجود شاعر جمع شده و عامل حرکت و عمل او می‌گردد. فرزانه در مجموعه اشعار خود غنا و عظمت را همراه با فضا سازی‌های شاعرانه‌ی به وجود می‌آورد.

«شعر است که تاج سخن و معنی هاست

فرزانه کسی که کان الفاظ گشاد

هر نکته به جامه مناسب آراست

خوش خوش بسرود و پرتوی بر جان داد.» (سین سلام، ۸۹)

«ادیبه» شاعر جوان و مستعد در قطعه «شعر من» با توصیفات هم‌چون: آه دل‌آزار، شعله‌های عشقِ غمبار، خون‌گرم

در نبض سرشار، رقص نور شمع بیدار، درباره شعر می‌گوید:

«شعر من آه دل‌آزار من است

شعله‌های عشقِ غمبار من است

می‌زند فواره از دریای جان

خونِ گرم نبضِ سرشار من است

می‌خزد در پرده‌ی اندیشه‌ها

رقصِ نورِ شمعِ بیدار من است

مصراع ام نوری که از دل می‌رسد

نور پالا در شبِ تاریک من است.» (زرشახه‌های عشق، ۸۴)

تبلور عاطفه انسانی و اندیشه اجتماعی در این مکتب به وضوح آشکار می‌شود. در نظر ادیبه شعر در خدمت بیان

غم‌ها و شادی‌هاست. او بر این عقیده است که:

«پای شادی بسته‌ی زنجیر غم

قصه وارِ رنج و آزار من است.» (همان، ۲۹)

۴- مفهوم کلمه.

در همه مکتب های ادبی «کلمه» به مثابه ابزار اصلی آفرینش هنری از جایگاه پر اهمیتی برخوردار است و در مکتب رمانتیسم این اهمیت افزون تر است. در این مکتب، کلمه به خودی خود دارای اعتبار هنری است و آهنگ و موسیقی و قدرت خیال انگیزی کلمات علاوه بر جنبه رسانگی، ملاک گزینش و استخدام آنها در بافت کلام شمرده می شود. (رضا سید حسینی، ۱۳۶۶: ۹۳) فرزانه خجندی در پی یافتن کلمات مناسب و خلق ترکیبات خوش آهنگ و خیال انگیز است. شاعر در گزینش واژگان و سواص بسیار دارد. ضرب آهنگ کلمات، واج آرایبی خاص و توزیع متناسب صامت ها و مصوت ها برگستره و غنای موسیقایی کلامش می افزاید. از کلمات خوش تراش با ضرب آهنگ و ریتمی ملایم بسیار بهره می برد. سطح آوایی و موسیقایی کلام، که شامل کوتاهی و بلندی مصراع ها، جایگزینی کلمات در مقام قافیه، تکرار و تاکید و درنگ بر روی برخی از کلمات و توجه به وزن شعراست، اشعارش را وزین تر کرده است.

«سلام ای که سکوتت سکوت کوکب هاست

سلام ای که صدایت صدای باران هاست.» (سوزنا تمام، ۶۵)

۱۳-۱۵ شهریور ۹۲

۵- آزادی.

اندیشه های رمانتیسم با حرارت بسیار میل به سمت آزادی دارند. آنان با شعار «آزادی، برابری و برادری» نظام کهن را ویران نمودند و نظام اجتماعی نوینی بنا نهادند. در این نوع اندیشه، آزادی جای محدودیت را گرفته و با مبارزه برضد سرمایه داری به آینده آرمانی خود دل بسته می کند. ویکتور هوگو رمانتیسم را «مکتب آزادی هنر» اعلام نموده است؛ یعنی هنرمند هر بخش از زندگی خود را می تواند آزادانه به تصویر می کشد. هنر و ادبیات نیز هر گوشه ای از زندگی چه زیبا و چه زشت، چه والا و چه پست را موضوع خود قرار می دهد و آن را توصیف می کند. گلرخسار در شعر «پخته» در قبال این شعر جریان سیاسی و اجتماعی زمان خود را بیان می کند.

«پخته (پنبه) گفتم، زحمت خارا شکن آمد به یاد،

درنگ خورشید سوزان، سوختن آمد به یاد

پخته گفتم

خانه ام، ملکم، دلم آباد شد،

قدرت دشمن شکن و فتح وطن آمد به یاد.» (گلچین اشعار، ۳۵)

۶- شخصیت.

شاعر خود را در مرکز جهان قرار می دهد و هرگز از خود وجودی اش جدا نمی شود و آن را به عنوان گران بهاترین و دیعه انسانی به همه جای جهان می کشاند. (اشرف زاده، ۱۳۸۱: ۲۲۷) شاعر رمانتیک در این حس شاعرانه حدیث نفس می کند و به بیان احساسات شخصی خود می پردازد. ناری نسا شاعری است پراحساس و هنرمند که خود را در پناه افکارش پنهان می دارد. او برای توصیف به جای توجه به موضوعات کلی و عام به دیدگاه شخصی و درون گرایانه توجه دارد.

«درد را تنها کشیدن از عقاب آموختم

زندگی در روی دریا از حباب آموختم

برکشیده نیک و بد را در ترازوی خرد

پیشه کردن صبر را از آفتاب آموختم

من که ناری نسایم، در نسایی بی نظیر

دانش و علم و خرد را از کتاب آموختم. «دریای محبت، ۷۰»

در میان شخصیت‌ها دو عنصر زن و کودک در شعر بسیاری از شاعران زن تاجیک کاربرد دارد. در سروده های گلرخسار، زن عمدتاً چهره ای پر از اندوه و غم دارد و در قطعه هایی مانند: ترانهٔ حزن، خیابان زن تنها، انتقام زن، گوشه هایی از مشکلات زنان را بیان می‌کند. نمونه ای از شعراو:

«چه تنهایی که در جاه و جلالِ خویش دلگیرم

میان چهار دیوارِ بلندِ سختِ تقدیرم

نرو از رو

نرو از سر

به روز سخت و تنهایی، من از دست که می‌گیریم؟» (گلچین اشعار، ۷۹)

و در شعر آزاد «انتقام زن» از زبان زن به شکایت از مرد می‌پردازد. درست همان اعتراضی که به طور صریح، فروغ فرخزاد در شعر معاصر خود ایجاد نمود. در شعر «خیابان زن تنها» با لحنی پراز درد بر همه چیز می‌آشوبد.

«چه می‌خندید بر مردان؟

چه خاموشید ای مردم؟

خیابان زن تنها

شما را می‌کند محکوم.» (همان، ۱۴۵)

علاوه بر برخی اشعار گلرخسار که اعتراض نسبت به مردان در آن وجود دارد؛ در اشعار «نقره، شهریه، صنوبر» نیز این موارد دیده می‌شود. زلفیه عطایی نظری کاملاً متفاوت دارد. او با خوشبینی نسبت به روابط مرد و زن می‌نگرد و این قطعه شعر را از زبان مرد زندگی اش می‌سراید.

«ز رنج و دهشت و غوغای دنیا

ز اشک و غصه و غم های دنیا

ز برف و تندر و سرمای دنیا

مرا تو در پناه خود نگه دار. (از ساقه ناصدر: ۵۳۲)

مادر یکی از موضوعات پر بسامد است و از زوایای گوناگون به آن پرداخته شده است. واژهٔ مادر و توجه به زبان مادری نزد تاجیکان بسیار محترم است. کمتر شاعری را می‌توان سراغ گرفت که دربارهٔ مقام مادر شعر نسروده است. آنان کلمهٔ مادر را معادل وطن می‌آورند. صفیه گلرخسار که «مادرم لت تاجیک» نام گرفته، چندین مجموعه شعر به نام های: «وصف وطن»، «مادر»، «اشک طوفان»، «یک پنجره مهر» دارد. «صاحب تبروف» استاد ادبیات معاصر تاجیک در سال ۱۹۷۴ دربارهٔ صفیه گلرخسار می‌گوید: «استعداد این زن مرزوبوم را نمی‌شناسد و منبع الهام او لالایی مادر و آوازهای عامیانه است.» (گلچینی بر اشعار صفیه گلرخسار: ۳۱۵) در قطعه شعر «با هوای باد و باران» می‌آورد:

«درد من از من بزرگ است

شادیم آذر ندارد

دختر نازده ی من

جاودان مادر ندارد.» (همان: ۳۱۵)

دوران کودکی با سادگی و پاکی ضمیر، جایگاه خاصی در شعر شاعران زن تاجیک دارد. تصاویر کودکانه آنان روشن با حقایق ملموس و محسوس است. به طور نمونه در قطعه شعر «خمار» فرزانه کودکی خود را ترسیم کرده است. او با حسرت از

نوستالژی بازگشت به آن دوران می گوید. به یاد عالم پاک و بلورین کودکی دلش به تپش درمی آید و از ساده بودن ها، آرزوهای دور و دراز و شیرین درس پروراندن ها، بسیار می گوید.

«دلم گم می زند هر دم به یاد آن بهشتِ دور
به یادِ لاله های کُرتِه الوانِ کنارِ بام
به یادِ سبزِ خندِ اولین مغچه ی بادام
به یادِ نکهتِ روحانیِ آغوشِ مامایم
به یادِ کودکی هایم.» (نبض باران، ۴۸)

۷- تمایل داشتن به سفر و سیاحت.

آزرده شدن از محیط و زمان موجود، راه را برای گریز از محیط فعلی با انجام سفرهای تاریخی، جغرافیایی فراهم می نماید. انجام سفرهای واقعی یا سفرهای خیالی یکی دیگر از مشخصه های مکتب رمانتیسیم است. در این نوع سفرها هنرمندان، بال های خیال خود را به سمت سرزمین های دور دست به پرواز درمی آورند و در لابه لای شعر خود از آرزوهای دور و درازشان سخن می گویند. شاعران تاجیک از آغاز تاکنون آن چنان باشکوه از سرزمین فرهنگ پرور ایران سخن می گویند که گویی ایران و تاجیکستان هرگز از یکدیگر جدا نبوده اند. فرزانه خجندی در مجموعه شعر «پیام نیاکان» با انجام یک سفر تخیلی-جغرافیایی ما را با این حقیقت آشنا می سازد که تجلی میهن تنها محدود به این گستره خاکی نیست؛ بلکه زبان نیاکان عظمت فرهنگ و تمدن پرشکوه فارسی زبانان را دربر می گیرد. او در این مجموعه با تکیه بر اندیشه معنوی و فرهنگی خود در عالم خیال به سرزمین شیراز برای وصف حافظ و سعدی، به پاکستان برای وصف اقبال لاهوری، به خراسان بزرگ برای وصف فردوسی و دقیقی، به بخارا برای وصف رودکی سفر می کند. در پایان این مجموعه می گوید:

آن زمان آتش زردشت بمرد
پیکر پیکره ها شمع صفت آب شدند
گوش آفاق گران بود و در آن
نفس سرد کشید و به خموشی، تن داد
من ولی بیدارم
من پُرم از فریاد
من پُرم از فریاد! (پیام نیاکان، ۵)

۸- کشف و شهود.

یکی دیگر از جلوه های رمانتیسیم توجه به کشف و شهود است. آنان به زندگی نگاهی عارفانه دارند تا حدی که شاعر رمانتیک را شاعر عارف مسلک می نامند. درون گرایی و ذهنیت در هنر رمانتیک، یک ویژگی بنیادین و سبکی آن محسوب می شود. (سعید جعفری، ۱۳۷۸: ۲۷۹) اعتقاد داشتن به خالق جهان و منشأ روح بشر در اشعارشان بسیار نمایان است. گاهی دید خوش بینانه نسبت به جهان و گاهی نیز لحظات زندگی را در افقی خاکستری مشاهده می کنند. رمانتیک ها دین را پناهگاه بشر و عامل تعالی روح می دانند و در نظر آنان رسیدن به آرامش درون از هدایای با ارزش این مکتب است. در حقیقت رمانتیک ها از طریق احساسات به سوی ایمان می روند و از منظر هنری به دین نگاه کنند. (سید حسینی، ۱۳۶۶: ۹۴) ادبیه، این احساس معنوی را این گونه توصیف می کند:

« نوش بادا...»

اشک من از چشم گریان،

ریزه بارانِ بهاران.
عشقِ من، سازِ محبت،
هم‌نوایِ ریزه باران.
عاشقِ من گشته مجنون،
می برد ره از بیابان.
آه، تابد در خیالم،
دیده اش رخشان و تابان.
تخت را هرگز نخواهم،
بخت می‌خواهم ز یزدان.
نوش بادا عاشقان را،

جام وصل و وصلتِ جان (ادبیات و صنعت، ۸)

نگاه فرزانه به دین شباهت قابل توجهی به نگرش بسیاری از رمانتیک‌های دین‌گرا دارد. او نیز از منظر شهودی به دین می‌نگرد و سیمایی عارفانه از آن عرضه می‌کند. تلقی او از دین البته تأثیر افکار و عقاید عرفای بزرگ گذشته به ویژه مولای رومی و بیدل دهلوی که با آنها الفتی داشته بسیار مشهود است. بیشتر از همه به عرفایی که اندیشه‌شان مبتنی بر عشق شادی و سکر است، توجه دارد.

«شستم زخم بر آفتاب، نورشکار می‌کنم

بی‌گله می‌زیم دیگر، شکر بهار می‌کنم.» (پیام نیاکان، ۲۱۱)

در نظر او توجه به خورشید عرفان بالاتر از هر چیز است. با عرفان می‌توان بر اندیشه‌های راکد و از میان رفته پیروز شد پس:

«نقب باید کند تا گل، تا سحر تا عشق و ایمان

نقب باید کند تا فضل خدا

بر تفکرهای مستعفی مانازل شوای خورشید عرفان.» (سوز ناتمام، ۶۵)

از خداوند می‌خواهد تا در وجودش تجلی کند. وجود شاعر آماده دریافت لذت نورالهی است.

۹- گریز از اجتماع.

در این دیدگاه، توجه به عامه مردم، جای نزدیک شدن به بزرگان و قدرتمندان را می‌گیرد و احساس نوعی دلسردی و انزجار از تمدن جدید به وجود می‌آید. در اشعار شاعران زن به وضوح از دردناک‌ترین و سوزناک‌ترین واژه‌ها برای این مفاهیم استفاده می‌شود. آنان بیشتر حس خودشناسی و خودآگاهی‌مندی را به تصویر می‌کشند. گلرخسار در قطعه شعرهای «بخارا»، «تاجیک» و «شکرانه بیچاره» درباره مظلومیت مردم می‌گوید:

«دورگردون آن قدر، خوش تاج را بی تاج کرد

آن قدر، شه را به کشکول گدا محتاج کرد

تاجیکِ من، در همه ایام صاحب تاج ماند

آن قدر تاراج دیده باز بی تاراج ماند.» (گلچین اشعار، ۶۵)

در میان تقسیم بندی درون‌مایه‌های شعری توجه به واژه وطن و توصیف میهن از ساختارهای موضوعی شعر تاجیک است و در شعر زنانه با حساسیت بیشتری خود را نشان می‌دهد. «شاعران نسل‌های گوناگون در اسلوب‌های گوناگون به موضوع وطن از پهلو و جهت‌های گوناگون نزدیک شده هر کدام مضمون و غایت بلند وطن‌دوستی را طرز و سلیقه خاص خود افاده نموده است. هر شعر سخن و صدای مخصوص دارد.» (نقطه نظر: ۱۰۰) نمونه‌ای از شعر ادیبه:

«ای جان من وطن
 ای هر گل و گیاه تو، زیب خیال من
 داغ سکوت و درد تو گل کرد در چمن
 ای پیک من به جانب فردای نا عبان
 تا در دلم چو درد تویی عشق بی امان
 چشم مرا نگاهی و دل را تو آرمان
 ای جان من، وطن!« (ادبیات و صنعت: ۸)

توجه به تجربیات بی شمار زندگی، استفاده از کلمات و تعبیرات خاص، عامل تشخیص شعری و گستردگی واژگانی می شود. جهان بینی اندیشه های آنان ژرف و استوار و همگی نشان از جوشش ضمیر ناخود آگاه دارد. در این بخش می توان اندیشه هایی با نام «رمانتیسیم اجتماعی» رایفت که در آثار ویکتور هوگو و ویلیام بلیک فراوان وجود دارد. هر چند شرایط ناعادلانه اجتماع عامل گرایش بشر به سوی فساد اخلاقی است ولی انسان به طور فطری به خوبی تمایل دارد. این نوع از رمانتیسیم از دهه چهارده وارد ادبیات شده است. ممکن است از لحاظ ظاهری تفاوت چندانی با رمانتیسیم های نوع دیگر نداشته باشد ولی از لحاظ توجه به اجتماع و واکاوی مسائل مربوط به آن جایگاه خاصی پیدا کرده است. مهم ترین ویژگی آن را باید دلبستگی به برپایی انقلاب، آزادی و ناسیونالیسم، محرومان و رنجشان و افق روشن آینده دانست. (مسعود جعفری، ۱۳۷۸: ۱۷۴)

یکی از پرکاربردترین درونمایه شعری به ویژه در شعر معاصر توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی با سرودن اشعار وطنی است. فرزانه خجندی نیز با این درونمایه های شعری، عشق به وطن و ابراز ارادتش به خاک میهن ستودنی است:

«تو اگر پاره ی خاکی باشی
 بس که پیوند توام، من خاکم
 خاک بالاتر از افلاک منی
 چون تو از جرم زمینی پاکم» (مهرگل مینا، ۵۳)

پشت سر گذاشتن جنگ ها و برادر کشی ها، شعرزانه تاجیک را درگیر بیان اندوه و شکایت از روزگار کرده است. آنان در واقع، روایتگر رنج تاجیک در قرن معاصر و تجلی گر دردهای حزن آلود تاجیکان شده اند. نابسامانی های زندگی مردم بر دلشان سنگینی و وجود لطیفشان را آزرده خاطر کند. اندوه فقر سبب شده شاعران با صراحت حقایق زندگی را شرح دهند و اوضاع بد اقتصادی و فاصله طبقاتی را پیش چشم آورند. طبع نقاد و نکته سنجی به گونه ای است که کوچکترین مسائل هم از پیش چشمشان دور نمی شود. شاه و گدا، پیر و جوان، سیاه و سفید، خوشبختی و بدبختی، دارا و ندار مخاطبان شعرشان هستند. گاهی شدت اندوه، فرزانه خجندی را به فریاد می کشاند:

«عاقبت می ترکد واژه فریاد روی دفتر من
 آه از این اجتماع ناسالم،
 که سایه ها ز بزرگی خویش می نازند.....
 باید فرار کرد.
 آه از این جامعه ی ناسالم
 کسی نبودن خورشید را نمی فهمد.» (شباخون برق، ۹۳)

۱۰- جهان آرمانی

اتوپیا^۱ یک واژه یونانی است. این واژه از دو جزء (او) به معنی نه، هیچ و (توپو) به معنای جا و مکان ساخته شده و به معنی هیچستان و ناکجا آباد است. (دایره المعارف آمریکا، ۱۳۶۰: ۴) آرمان شهر یا مدینه فاضله با قدمت تمدن بشری و

تاریخچه هزاره دوم پیش از میلاد است. سرزمین آرمان شهر درست همان جایی است که هیچ جا نیست و در این عالم پیدا نمی شود. شخصیت آرمان شهر یک مسافر ابدی است که از زمان و مکان تاریخی بیرون است. این لامکان مانند ناکجا آباد سهروردی در عالم مثال است. ناکجا آباد فضای ویژه ای است که ذاتش بر خودش آشکار می شود. تنها با گسست ناگهانی از آفاق جغرافیایی عالم است که می توان به این اقلیم دست یافت. (هانری کربن، ۱۳۷۱: ۲۹۵) تصویر یک شهر آرمانی در اصل تصویر رویایی است که شاعر برای رهایی از بی نظمی و بی عدالتی ارائه می دهد.

در رمانتیسیم اجتماعی، شاعر آرمان های خود را با جست و جوی پاکی و معصومیت عدالت و برابری هماهنگ می داند. همین گرایش است که آنها، شیفته انقلاب ها و جنبش های رهایی بخش روزگاری کند. (جعفری، ۱۳۷۸: ۸۳) جهان آرمانی رمانتیسیم اجتماعی با نام جهان آرزوها نمایان می شود. مجموعه آرزوهایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ساختن جامعه آرمانی شان مؤثر است. اصطلاح آرمان شهر در ادبیات روس با نظرات سوسیالیسم علمی انگلس بسیار معروف است. او همواره به دنبال حرکات اصلاح گرایانه بوده و اصلی ترین دل مشغولی هایش ایجاد پیوند عاطفی بین خود و مردم است. این مفاهیم در ادبیات شوروی تاجیک نیز تحقق یافته و الهام گرفته از ادبیات جامعه سوسیالیستی شوروی است. این اندیشه در آثار صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴) میرسعید میرشکر (۱۹۱۲-۱۹۹۳) بسیار است. میرسعید میرشکر این دوران را دوران کامیابی می نامد. در میان تعبیرات گوناگون و تعاریفی که از آرمان شهر آمده است دو نظر کاملاً متفاوت به چشم می خورد: یکی از نظریه ها توسط نور تروت فرای بیان می شود. در نظر او، آرمان شهر کشوری است ایده آل و بی نقص که نه تنها ساختارش به طرز منطقی مستحکم است بلکه تا آنجا که امکان پذیر است، به ساکنان آن آزادی و خوشبختی می بخشد. از سوی دیگر، بعضی از منتقدان اساس آرمان شهر را منطبق بر کمال معنوی انسان می دانند نه زندگی مادی. به نظر جودیت شکر از این مفهوم، همیشه یک تصویر و قیاس از اوج معنوی بشر بوده است. این اصطلاح نه از نظر تاریخی وجود داشته و نه از نظر جغرافیایی و همواره کشف زیبایی شناختی و هوشمندانه بین «چه باید باشد» و «چه خواهد بود» بین آن ها وجود دارد.

در میان تنوع اندیشه ها و مضامین کاربردی، بانوان شاعر در اشعارشان آرمان شهری را تداعی می کنند که تمام دغدغه ذهنی شان را در بر می گیرد. پس از بیان ناامیدی ها و یأس ها، با تأملی که بر طبیعت دارند، همواره در جستجوی عالمی والا و برترند و مخاطب را برای رسیدن به این سعادت بشارت می دهند. آنان به دنبال آرمان شهر واقعی، سرزمینی عاری از خشم و خشونت و برای رسیدن به خوشبختی و سعادت در جست و جوی انسان متعالی اند. فرزانه خجندی گاه سیمای شخص آرمانی را با ویژگی های سرشار از اساطیر قرآنی به وصف می نشیند. در کارگاه تخیل شاعر، مقام شخص آرمانی آمیخته با تکامل برجسته معنوی است:

«کسی که چشمش از ابتدای آفرینش تا امروز

ایمان و عشق آدم را حفظ کرده است.

کسی که نفحات نفسش تحیر عیسی است.

کسی که معجزه ی دستش وامی است از کلیم

کسی که پشت صدای پرده اش آواز غیب نهدان است.» (سوزنا تمام، ۳۱)

نتیجه مطالعات حاضر نشان می دهد که وجود هریک از ویژگی های شعر رمانتیسیم و مطابقت آن با اشعار شاعران

معاصرین تاجیک ما را به این هدف می رساند که عمدتاً این قبیل شاعران با دل پراحساس و شور عاشقانه همراه با روح

1-o'topiya

2-Northrop Frye

3-Judith Shklar

زنانه و لطیف در زمره شاعران رمانتیک در آمده اند. عمده اشعار آنان با تقسیم بندی بردوشاخه پیش از فروپاشی اتحاد شوروی و مرحله پس از استقلال تاجیکستان با مضامینی همچون: وصف ستمدیدگان و محرومان با هدف بیان عدالت، یافتن گمشده

خویش و حمایت از استقلال سرزمین تاجیکستان، توجه به فرهنگ و زبان مادری و غیره است. بانوان رمانتیک‌گرای تاجیک هم از زیبایی‌ها می‌گویند و هم از زشتی‌ها. هم از تاریکی‌ها و هم از روشنی‌ها. در نظر آنان حالا که خوب و بد، در زندگی بشرو وجود دارد، باید از هر دو جنبه سخن گفت. شعرشان بی‌گمان، تبلور عاطفه انسانی و اندیشه‌های اجتماعی است. دیدشاعرانه آنان، مارا به افق‌های بسیار دور می‌کشاند. طبیعت‌همدردی می‌کند و به واسطه تخیل ایده‌هایشان به تصویر کشیده می‌شود. ترکیبی از عشق، طبیعت، امید، انسان‌محوری، دست یافتن به نوعی آزادی از قیود سنتی، نرمش و شور و هیجان و علاقه به آهنگ و مضمون و تصویر فراوان همگی نشان از حساسیت رمانتیک‌گونه آنان دارد.

در رمانتیسیم اجتماعی این گروه از شاعران توجه به مضامینی مانند: مسائل اجتماعی، سیاسی آمیخته با عاطفه و احساس، فقر و شکایت از بی‌عدالتی، دوری کردن از شعر معترضانه و آرزوی زندگی عاری از خشم و خشونت گرایش آنان بیش از پیش نمایان می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲) از صبا تا نیما، چاپ چهارم، ج ۲، انتشارات زوار، تهران.
- ۲- اشرف زاده، رضا (۱۳۸۱) رمانتیسیم، اصول و نفوذ آن در شعر ایران، دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۱ و ۲، سال ۳۵، صص ۳۰-۲۵.
- ۳- ام. ا. ج. ایبرمز - جفری گالت هر فم (۱۳۸۷) فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سبزیان: رهنما.
- ۴- پورعلی فرد، اکرم (۱۳۸۲) رمانتیسیم اروپا و شعر نو پارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۴۶.
- ۵- جعفری، مسعود (۱۳۷۸) سیر رمانتیسیم در غرب، چاپ اول، انتشارات مرکز، تهران.
- ۶- حمیدیان، سعید (۱۳۸۱) داستان دگرگونی، روند دگرگونی‌های شعر نیما یوشیج، تهران: نیلوفر، چاپ اول.
- ۷- خجندی، فرزانه (۱۳۷۵) پیام نیاکان، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- ۸- ----- (۱۳۸۵) سوز ناتمام، تهران: انتشارات رسانش، چاپ اول.
- ۹- داد سیما (۱۳۸۷) فرهنگ اصطلاحات ادبی، انتشارات مروارید، چاپ چهارم.
- ۱۰- زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۴) چشم انداز شعر معاصر ایران، نشر ثالث، چاپ سوم.
- ۱۱- سید حسینی، رضا (۱۳۶۶) مکتب‌های ادبی، چاپ نهم، انتشارات نیل و نگاه، تهران.
- ۱۲- صدری‌نیا، باقر (۱۳۸۲) پیدایش و تحول شعر رمانتیک در ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۴۰، ۱۴۰.
- ۱۳- شعر دوست، علی اصغر (۱۳۷۶) چشم انداز شعر امروز تاجیکستان، تهران: الهدی.
- ۱۴- شمس لنگرودی، محمد تقی (۱۳۷۰) تاریخ تحلیلی شعر نو، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز.
- ۱۵- عبدالمنان اف، عبدالرحمن (۱۹۹۰) نقطه نظر، چاپ اول، دوشنبه: انتشارات ادیب.
- ۱۶- کریمی حکاک، احمد (۱۳۷۷) طلوعه ی تجدد در شعر فارسی، ترجمه، مسعود جعفری، انتشارات مروارید.
- ۱۷- گلر خسار، صفی‌آوا (گلچینی از اشعار) (۱۳۷۳) فرهنگ و تمدن کشورهای همسایه ۳، انتشارات بین‌المللی: الهدی.
- ۱۸- لوکاج و دیگران (۱۳۸۳) رمانتیسیم (مجموعه مقالات)، ترجمه مرادفرهاد پور دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۱۹- موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۸۴) از ساقه تا صدر، انتشارات قدیانی، چاپ اول.
- ۲۰- میرصادقی میمنت (۱۳۷۳) واژه نامه هنر شاعری، انتشارات مهناز، چاپ دوم.
- ۲۱- ناری نسا (۱۳۸۷) دریای محبت، دوشنبه: پیوند، چاپ اول.
- ۲۲- ناصر، محمد (۱۳۸۲) تحول موضوع و معنا در شعر معاصر، نشر نشانه، چاپ اول.

23-Адиба.назм\Адабиёт ва санъат.-17июни,2010.-№24(1527).-С.8.

24-Нукраи суннатниё.Ватандорі ба дўши мост\Адабиёт ва санъат.-11авусти 2011.-№32.- С.1.

25-Назар у даме бо шеъри Нукраи\Адабиёт ва санъат.- 17июни,2010.-№24(1527).- С.4.

- 26-Фарзона.Ояти ишк.-Душанбе: Нашриёти Адиб,1994.-178с.
27- Фарзона.Муъри гули мино.- Њчанд: Нашриёти мушиир,2007.-399с.
28- Кляшторина В.Б. Современная персидская поэзия.Очерки.– М: Изд. Вост. Лите., 1962.
29-Мусулмонкулов Р. Назарияи адабиёт. – Душаньбе: Маориф, 1990.
30- Кургонов З. Вижагиёи муродифоти матнӣ дар шеъри Фарзона // Паёми Сӯд, 2007, №10.

